

«فرهیختگان» از ساماندهی هزار و ۶۰۰ دانشجوی پزشکی برای ارائه خدمات درمانی گزارش می‌دهد

طبیعیان دوار موکب به موکب تا کربلا

فرهیختگان

دانشگاه

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۳ شماره ۲۲-۶۰ WWW.FDN.IR

نگاهی به کارنامه گزینه پیشنهادی وزارت علوم دولت چهاردهم

از صراف چه می‌دانیم؟

«فرهیختگان» از جزئیات شبکه‌سازی دانشگاه آزاد در حوزه پوشاک گزارش می‌دهد

«ست» لباسی به سبک سما



رئیس سازمان تجاری‌سازی فناوری و اقتصاد دانش بنیان:

استقلال مالی جهاد دانشگاهی تا ۱۴۱۰ شدنی است

با حضور معاون تحقیقات، فناوری و نوآوری دانشگاه صورت گرفت

تصویب ۴ طرح اقتصادی در هیات امنای دانشگاه آزاد هرمزگان

رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد خیرداد

آغاز سومین فراخوان دستیاری آموزشی از فردا

نگاهی به کارنامه گزینه پیشنهادی وزارت علوم دولت چهاردهم

از صراف چه می‌دانیم؟

فرهیختگان

با اعلام اسامی وزری پیشنهادی دولت چهاردهم به مجلس شورای برای گرفتن رای اعتماد بالاخره تکلیف چند هفته گمانه‌زنی از سوی رسانه‌ها برای وزارتخانه‌های مختلف مشخص شد. گزینه‌هایی که بخشی از آنها جزء چهره‌های نام‌آشنا برای جامعه به شمار می‌روند و در مقابل نام برخی از آنها تاپیش از این، کمتر شنیده شده بود. در میان لیست ۱۹ نفره دولت، حسین سیمایی صراف برای رفتن به خیابان هرمان و سکندری وزارت علوم به عنوان اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیر و مجری در عرصه آموزش عالی، به بهارستان نشین شده تا در صورت گرفتن رای اعتماد بتوانند در قامت وزیر علوم برای چهار سال آینده برنامه‌های خود را برای نظام آموزشی و پژوهشی کشور پیاده کنند؛ فردی که شاید نام او چندان مطرح نباشد اما با توجه به سوابقش یکی از افراد شناخته شده برای ساکنان ساختمان وزارت علوم محسوب می‌شود. حسین سیمایی صراف ۵۶ ساله، با رتبه دانشیاری این روزها در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی به تدریس می‌پردازد. او لیسانس حقوق

خود را از دانشگاه تهران گرفته و کارشناسی ارشد را در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس گذرانده است. دوران دکتری را هم در رشته حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی طی کرده است. البته سیمایی صراف تحصیلات حوزوی را هم حدفاصل سال‌های ۶۰ تا ۸۰ گذرانده و پای درس خارج فقه و اصول آیات عظام میرزا جواد تبریزی (ره)، وحید خراسانی و سید محمود هاشمی شاهرودی نشسته است. او در دولت دوازدهم دبیر هیات دولت و پیش از آن معاون حقوقی و امور مجلس وزیر علوم بود و قبل تر از آن هم به عنوان قائم‌مقام معاونت حقوقی رئیس جمهور در دولت یازدهم فعالیت می‌کرد. البته او در دولت یازدهم مدیرکل دفتر حقوقی وزارت علوم را تجربه کرده بود. سیمایی صراف وکیل پایه یک دادگستری است. در دهه‌های قبل در کمیسیون حقوق مدنی معاونت حقوقی قوه قضائیه و شورای راهبردی تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی عضویت داشته است. از حضورش به عنوان عضو ستاد آمایش آموزش عالی با عضو شورای مرکزی بورس دانشجویان که بگذریم؛ رزومه علمی اوست که

برای اهالی علم و فناوری حائز اهمیت است.

فقط یک مقاله در اسکوپوس!

فعالیت علمی سیمایی صراف براساس علاقه پژوهشی‌اش در حوزه‌های حقوق اسلامی، هرنمونیک حقوقی و حقوق تجارت پررنگ بود و مقالات داخلی قابل توجهی را هم منتشر کرده، اما براساس سامانه علم‌سنجی دانشگاه شهید بهشتی آخرین و البته تنها مقاله بین‌المللی‌اش در اسکوپوس مربوط به سال ۲۰۱۸ است و در تمام این سال‌ها، سیمایی صراف جز این هیچ مقاله‌ای ثبت شده در این پایگاه استنادی نداشته است. براساس اطلاعات گوگل اسکالر نیز آخرین مقاله منتشرشده از سوی سیمایی صراف مربوط به سال ۲۰۱۵ با عنوان «مفهوم رقابت نامشروع تجاری و مقایسه آن با نهادهای مرتبط» بوده است. او در کارنامه علمی خود تجربه عضویت در هیات تحریریه فصلنامه علمی-ترویجی پژوهش‌های حقوقی و همکاری با پژوهشگاه قوه قضائیه را هم داشته است.

درخشان می‌توانند با وارد کردن کل ملی، شماره شناسنامه و سال تولد خود اطلاعات تاریخ، زمان و محل مصاحبه خود را دریافت کنند. داوطلبانی که در بیش از یک رشته به منظور مصاحبه ثبت‌نام کرده‌اند، اطلاعات مربوط به تاریخ، زمان و محل مصاحبه خود را در پایگاه اینترنتی مذکور به‌طور همزمان مشاهده خواهند کرد. لازم به ذکر است، حضور در تاریخ و زمان اعلام شده در محل مصاحبه الزامی و عدم حضور در زمان مقرر به منزله انصراف است. داوطلبان باید در زمان حضور در جلسه مصاحبه اصل کارت ملی یا شناسنامه عکس دار همراه داشته باشند. همراه داشتن فرم تکمیل شده سوابق تحصیلی، علمی، آموزشی و پژوهشی به انضمام کلیه مستندات پژوهشی و آموزشی مربوطه در زمان حضور در جلسه مصاحبه الزامی است.»

آغاز سومین فراخوان دستیاری آموزشی از فردا

حامد حسن پور، رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد گفت: «ثبت‌نام مقاضیان در طرح دستیاری آموزشی و نیز اعلام آمادگی تدریس در نیمسال پیش‌رو از ساعت ۸ صبح دوشنبه ۲۲ مردادماه آغاز و تا ساعت ۲۴ روز شنبه ۲۷ مردادماه ادامه خواهد داشت.» وی افزود: «مقاضیان این طرح می‌توانند از طریق سامانه دستیاری آموزشی به آدرس <https://bpj.iau.ir/ta> اقدام کنند.» حسن پور تأکید کرد: «علاوه بر مقاضیان جدید، تمامی دستیاران آموزشی که در هر یک از دو نیمسال گذشته در طرح دستیاری آموزشی ثبت‌نام کرده‌اند یا در حال تدریس یا در مقطع دکتری شاغل به تحصیل هستند نیز لازم است مجدداً با ورود به سامانه دستیاری آموزشی ضمن اعلام آمادگی برای تدریس در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ اطلاعات خود را به‌روزرسانی و اولویت‌های خود را برای تدریس در نیمسال جدید (واحدهای دانشگاهی و دروس مدنظر) مشخص کنند.» وی ادامه داد: «روسای باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد در واحدها بررسی مدارک ثبت شده در سامانه دستیار آموزشی را انجام می‌دهند.» رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد خاطرنشان کرد: «شناسه تدریس صرفاً برای آن دسته از مقاضیان صادر می‌شود که دانشجوی دکتری شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد باشند و صلاحیت علمی و عمومی آنها تأیید شود.» حسن پور تصریح کرد: «مستولیت انتخاب دستیار آموزشی با کیفیت و دارای صلاحیت علمی و نیز تخصیص درس به دستیاران مطابق شرایط مندرج در آیین‌نامه دستیار آموزشی برعهده معاونان آموزشی واحدهای دانشگاهی و مدیران گروه‌های مربوطه است.» گفتنی است مقاضیان جدید طرح دستیاری آموزشی می‌توانند قبل از ثبت‌نام با مراجعه به بخش دستیاری آموزشی سایت باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان به آدرس bpj.iau.ir راهنمای ثبت‌نام در سامانه را ملاحظه کنند و مراحل ثبت‌نام را انجام دهند.»

بخش دوازدهم

رنسانس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه دانشگاه ملی چرا و چگونه؟

کتاب «رنسانس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه» ابعاد مختلفی از جریان تشکیل دانشگاه در ایران و شکل‌گیری آموزش عالی به شکل و شمایل امروز را تشریح کرده است. کتابی به قلم علی شیخ‌الاسلام، موسس و رئیس دانشگاه ملی ایران که «فرهیختگان» از اوایل مردادماه بخش‌های مختلف آن را منتشر کرده است. در ادامه انتشار گزیده این کتاب و پس از مرور وضعیت ایران در دوران رضاشاه و مشروطه سوم، دلایل راه‌اندازی دانشگاه ملی را از زبان خود تشریح کرده که در ادامه می‌خوانید.

اول اسفندماه ۱۳۳۱ عازم آمریکا شدم و پس از توقف کوتاهی در فرانسه در نیمه اول ماه مارس ۱۹۵۳ وارد شهر نیویورک شدم. بلافاصله پس از ورود به نیویورک به دانشگاه نیویورک که به وسیله انجمن فرهنگی ایران و آمریکا در نیویورک به نام سونیفت نام‌کرده و پذیرش گرفته بودم مراجعه کردم. از همان دفعه اول مراجعه به دفتر دانشگاه دیدم وضع دانشگاه در آمریکا با آنچه من در تهران دیده بودم به تمامی معنی کلمه متفاوت است. از هنگام مراجعه به دفتر دانشگاه تا موقعی که کلاس درس وضع تحصیلی مرا روشن کردند و چگونه مننزل اجاره کنم و ترتیب زندگی خود و خانواده‌ام را بدهم فقط ۲۵ دقیقه طول کشید. من در آن تاریخ اصولاً نمی‌دانستم دانشگاه ملی دولتی چیست و دانشگاه نیویورک جزء کدامیک از دانشگاه‌هاست و چرا برای تحصیل حق‌التعلیم دریافت می‌دارند و چگونه هرچه را می‌خواستیم بدون مباحثه و روزها و بلکه هفته‌ها و ماه‌ها صرف وقت در اختیاریم می‌گذارند و با هرکس حرف می‌زنم به عنوان مشاور به من جواب می‌دهد و اغلب توصیه می‌کنند اگر آنچه را که فعلاً تصمیم گرفتید» در عمل دیدید اشکالاتی دارد یا صرفاً «دوست نداشتید» مجدداً مراجعه کنید تا ترتیب دیگری بدهیم. این طرز برخورد و انجام کار با سرعت در همان جلسه اول طوری مرا تحت تأثیر قرار داده که از آغاز ورود به آمریکا تصمیم گرفتم به موازات تحصیل هرچه بیشتر و دقیق‌تر روی تشکیلات دانشگاه‌ها مطالعه کنم و از دانشگاه نیویورک که محل تحصیل خودم بود این مطالعات را شروع کردم. یعنی از مارس ۱۹۵۳ تا جولای ۱۹۵۹ که در آمریکا بودم اولاً به معنی حقیقی کلمه محصل تمام وقت بودم و قریب چهارسال از این هفت سال را شب تا صبح مطالعه می‌کردم و جز برای خواب و خوراک مجاور دانشگاه بودم و در عین حال تفریح و کار فوق‌برنامه مطالعه روی دانشگاه‌ها و ادیان آمریکا بود. از دانشگاه محل تحصیل خودم که دارای ۲۲ دانشکده بود شروع کردم و سپس به دانشگاه‌های دیگر واقع در شهر نیویورک مثل دانشگاه کلمبیا پرداختم. بعدها چنانکه در فصول آتی خواهد آمد ۷۵ دانشگاه از چند هزار دانشگاه آمریکا را در سراسر آن مملکت مورد مطالعه قرار دادم. مطالعات من روی دانشگاه‌های آمریکا از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶ مثل مطالعات روی مذاهب آمریکا جنبه تفریح و کارهای فوق‌برنامه و صرفاً انگیزه عشق به دانستن داشت، چون نه در اندیشه تأسیس دانشگاه در ایران با آمریکا بودم و نه میل داشتم کار و شغل آتی خودم را اداره دانشگاهی قرار بدهم یا جزء گردانندگان و هیات‌عامله دانشگاه باشم. حتی یاد دارم دکتر هیل رئیس وقت دانشگاه نیویورک که از رجال بنام آمریکاست در جواب ایرادی که به او تذکر دادم راجع به یکی دو موضوع مربوط به دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک در تابستان سال ۱۹۵۵ از من پرسید: به قدری با مطالعه و علاقه سوال می‌کنی که فکر می‌کنم، می‌خواهی در دستگانه اداری دانشگاه مشغول شوی یا

دانشگاهی تأسیس کنی؟ به او گفتم جز تحصیل و تدریس و کار وکالت عدلیه و مشاور حقوقی که هفته‌ای چند ساعت در وال‌استریت به یک موسسه حقوقی کمک می‌کنم، هیچ شغلی را دوست ندارم و کار عمر من هم تدریس خواهد بود. تذکراتی که راجع به دانشکده دادم را انجام داد و با کمال رفت و ادب به من گفت از اینکه بین دانشجویان، کسانی تا این حد آگاه و علاقه‌مند به امور دانشگاه می‌بینم خیلی خوشحالم و این بهترین مزدی است که من برای کار خودم دریافت می‌دارم. در ماه جولای ۱۹۵۶ طبق معمول در کتابخانه دانشکده حقوق نیویورک مشغول مطالعه بودم. ساعت ۱۰ شب بود و گارد مستحفظ دانشگاه جار می‌زد؛ کتابخانه را ترک کنید می‌خواهم درها را ببندیم. مشغول بستن کتاب‌ها و اوراق تحریری بودم که دوست و همکاری از همکاران دانشگاه نیویورک به نام سونیفت که در رشته تخصصی حقوق بین‌الملل با یکدیگر مفاوضات علمی و همکاری داشتیم و گاه و بیگاه به دیدار یکدیگر می‌رفتم فرساید و گفتم بیایم در «رین زی کافی شاپ» که محلی است نزدیک دانشکده حقوق نیویورک قهوه‌ای بخوریم و قدری راجع به زندگانی خودم و حوادثی که اخیراً پیش آمده برای تو صحبت و درد دل کنم. (رین زی قهوه‌خانه‌ای است که اکثر مشتری‌های آن هنرمندان و اساتید دانشگاه و طبقه انتلکتوئل هستند و مانند «کافه گرگو» رم در نیویورک و تمام آمریکا در میان طبقه روشنفکر شهرتی دارد. در این قهوه‌خانه آدم حس می‌کند در میان خودمانی‌ها و اهل دل نشست و آب‌وهوایی شبیه آب‌وهوای خانقاه درویشان خودمان را دارد. با این تفاوت که در روی همه باز است و آنچه راجع به بعضی خانقاه‌ها از قبیل استعمال مواد مخدر و غیره شنیده می‌شود به کلی منزه و مبری است) دعوت او را قبول کردم و با اتفاق رفتیم به رین زی کافی شاپ. سونیفت گفت از این برنامه‌های علمی و مقاله و کتاب نوشتن در فن خودمان خسته شده‌ام و فکر می‌کنم فرضاً با یک سال یا ده سال دیگر مانند پروفیسور جاسب و پروفیسور هودسن با انتشار مقالات و پیشنهاد تئوری‌های جدید شهرت جهانی پیدا کردم و در پایان عمر چندین جلد کتاب و صداها مقاله از خود به یادگار گذارم. این چه سودی خواهد داشت؟ چه دردی از جهان بزرگ بشریت دوا خواهد کرد؟ این شهرت برای من چه لذتی خواهد داشت؟ مردی هستم متاهل نشده‌ام و گرفتاری عیال و اولاد ندارم و قریب ۵۰ هزار دلار هم سرمایه دارم و ریشه و با همین بضاعت مزاجت شروع کنم و است در این اندیشه‌ام و دو سه روز است تصمیم گرفته‌ام سرمایه مادی خودم را تماماً بر دارم و بروم به یکی از نقاط دوارفانده آفریقا که از علم و تمدن غرب بویی نبرده‌اند و عده ۲۵ یا ۳۵ نفری از بچه‌های پنج‌شش ساله آفریقایی‌ها را شخصاً تحت تعلیم و تربیت قرار دهم و آنها را بزرگ کنم و به ثمر برسانم و روانه دانشگاه کنم و در نهایت به وسیله خود آنها دانشگاهی در آفریقا ایجاد کنم و خلاصه عمر خودم را در این راه بگذرانم. سونیفت اضافه کرد که من برای الزیبات شویتز بسیار احترام قائلم اما آنچه را که او برای بدن آفریقایی‌ها می‌خواست انجام بدهد من میل دارم برای روح آنها انجام دهم و باید از پایه و ریشه و با همین بضاعت مزاجت شروع کنم و فکری که منم نظر و عمل من عمیقانه‌تر و مؤثرتر از شویتز باشد. به قدری اظهارات و افکار سونیفت مرا تکان داد که در حال تحریر این سطور هنوز گویی صدای او را می‌شنوم و گفتم اشت را کلمه‌به‌کلمه به خاطر دارم. ادامه دارد